

پرده‌ی پنهان- آشکار

مجموعه ترانه

ترانه‌هایی بازیافته از

سیدین بهبهانی

گردآورنده:

عاطفه وطن‌چی



مؤسسه‌ی انتشارات نگاه

تأسیس ۱۳۵۲

پرده‌ی پنهان - آشکار / ترانه‌هایی باز یافته از سیمین بهبهانی؛

گردآورنده: عاطفه وطن‌چی.

تهران: مؤسسه‌ی انتشارات نگاه، ۱۳۹۵.

۲۷۹ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

ISBN: 978-600-376-162-9

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. ترانه‌های ایرانی - قرن ۱۴.

Songs, Iranian-20th century

۲. شعر فارسی - قرن ۱۴.

Persian Poetry-20th century

الف. بهبهانی، سیمین، ۱۳۰۶-۱۳۹۳.

ب. وطن‌چی، عاطفه، ۱۳۵۶-، گردآورنده.

۱۳۹۵ ۳۴۳ PIR۷۹۷۲/۵۳ ۸۴۱/۶۲

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۳۷۹۰۵۳

پنهان بهبهانی

پرده‌ی پنهان - آشکار

گردآورنده: عاطفه وطن‌چی

چاپ اول: ۱۳۹۶، لیتوگرافی، طالع چاپ

چاپ: رامین، شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹-۱۶۲-۳۷۶-۶۰۰-۹۷۸

هر گونه استفاده‌ی موسیقایی، صوتی و تصویری منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

حق چاپ محفوظ است.

مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مکتوب: انقلاب، خ. شهدای ژاندارمری، بین خ. فخر رازی و خ. دانشگاه، پ. ۶۳، طبقه ۵.

تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱-۸، ۶۶۴۸۰۳۷۷، ۶۶۴۶۶۹۴۰، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷



negahpub.com



negahpublisher@yahoo.Com



Instagram.com/negahpub



Telegram.me/newsnegahpub

فهرست

۱۳	آغاز زمان
	۱. آوازه‌ها
۲۵	مرا تنها نگذار
۲۸	دلی که من دارم
۳۰	گل خشک
۳۲	یک آسمان غم
۳۴	من و خاکستر
۳۶	مرا رها مکن
۳۸	افسونگر
۴۰	گمان برد یار دیرین که من غافلم
۴۲	یک بار دیگر
۴۴	کنج غم
۴۶	سکوت گویا
۴۸	هفت سین

۵۰	چرا باور ندارم
۵۲	به دیوانگی
۵۴	چرا، خدایا؟
۵۶	خوشه‌ی سرخ ارغوان
۵۸	سایه‌ی ما
۶۰	افسون
۶۲	تو مرا نم
۶۴	افسانه‌ی خوشبختی
۶۶	مال
۶۸	می
۷۰	از یاد رفته
۷۲	آشفته
۷۴	قصه‌ی آشنایی
۷۶	افسانه
۷۸	دیدنی چه کردی
۸۰	گل فاصد
۸۲	چشم ستاره
۸۴	صورتگر
۸۶	لیلی‌ی زمانه
۸۸	فریاد از تو
۹۰	مهربان شو
۹۲	نازنین دخترم
۹۴	بگو دیگر چه می‌خواهی
۹۶	غزل ستارگان

۹۸	سایه ی غم
۱۰۰	خورشید شب
۱۰۲	ستاره یاران
۱۰۴	آتش زده
۱۰۶	شیراز
۱۰۸	پیام جدایی
۱۰۹	رمیده دل
۱۱۱	بی روی، بروا
۱۱۳	بی آشیانه
۱۱۵	دری ماه
۱۱۷	به آن
۱۱۹	ترانه سرکن
۱۲۱	رؤیای شاد
۱۲۳	مستی ی دیدار
۱۲۵	خلوت دل
۱۲۷	خورشید
۱۲۹	زنجیر کهکشان ها
۱۳۰	ندیدم، نشنیدم
۱۳۲	تونسوزی
۱۳۴	بزم نوش
۱۳۶	چه گفتمی که نکردم
۱۳۸	سایه
۱۴۰	بهبانه جو
۱۴۲	مستانه به سویم باز آ

۱۴۴	نامه‌های تو
۱۴۶	دولت مستی (علی رضا افتخاری)
۱۴۸	دولت مستی (نسرین کیوان‌فر)

۲. غزل‌آواها

۱۵۳	شور نگاه
۱۵۵	هاشق نه چنان باید
۱۵۷	طرحی دگر
۱۵۹	را
۱۶۲	باستی
۱۶۴	غنچه‌داران
۱۶۶	غنچه‌ی راز
۱۶۸	شراب نور
۱۷۰	شراب نور (احمد ظاهر)
۱۷۲	ستاره دیده فرو بست
۱۷۴	دیوانگی
۱۷۶	دیوانگی (پوران)
۱۷۸	بارب، مرا یاری بده (فائزه)
۱۸۰	گر بوسه می خواهی
۱۸۲	کی گفتمت
۱۸۴	دورنگی
۱۸۶	دورنگی ی یاران
۱۸۸	آشفته‌گی
۱۹۰	زنجیر وفا

۱۹۲	توفان.....
۱۹۳	توفان (البلا فروهر).....
۱۹۴	توفان (علی رضا افتخاری).....
۱۹۶	نیاز.....
۱۹۸	بی تو، ای روشنگر شب های من.....
۲۰۰	پنجره ها بسته اند.....
۲۰۲	عشق پدیدار نیست.....
۲۰۴	بر من گذشتی.....
۲۰۶	از عشق (محمد رضا شجریان).....
۲۰۸	آمین کرم (میتم ذاکر حسین).....
۲۱۰	دست های یار.....
۲۱۲	تکیه.....
۲۱۴	پایان انتظار.....
۲۱۵	پایان انتظار (ایر).....
۲۱۶	مرا هزار امید است (نوح).....
۲۱۸	عطر لرگس های چشم.....
۲۲۰	هزار امید.....
۲۲۲	دوستت می دارم.....
۲۲۴	پنهان.....
۲۲۶	کولی واره (۳).....
۲۲۸	رفت آن سوار.....
۲۳۰	کولی واره (۱۱).....
۲۳۲	سوار خواهد آمد (داریوش اقبالی و فتانه اقبالی).....
۲۳۴	سوار خواهد آمد (مرضیه مرتضایی).....

۲۳۶	سوار (هوشمند عقیلی)
۲۳۸	دل‌م گرفته، ای دوست!
۲۴۰	هوای گریه
۲۴۲	دوباره می‌سازمت، وطن!
۲۴۴	دوباره می‌سازمت، وطن! (بیژن بیژنی)
۲۴۶	دوباره می‌سازمت، وطن! (داربوش اقبالی)
۲۴۸	دوباره می‌سازمت، وطن! (وحید تاج)
۲۵۰	هی‌ها... هی‌ها... ره بگشا!
۲۵۲	بیدار
۲۵۴	میرزا... می‌خوانم
۲۵۶	ترانه‌ی روان
۲۵۸	خواهی نباشی
۲۶۰	آن زنم
۲۶۲	بیداد
۲۶۳	فریاد غم

۳. گوشه‌های ناخوانده

۲۶۷	ای من شما
۲۶۸	مهربانان همه رفتند
۲۷۰	شو میهمانم
۲۷۲	می‌خواستم
۲۷۴	همیشه دوست داشتمت
۲۷۵	تو را می‌نویسم
۲۷۸	آبی‌ترین آبی

آغازمان^۱

تصنیف^۲، که در اصطلاح موسیقایی با واژه‌ی «ترانه»^۳ - کم و بیش - همسان می‌افتد، بی‌منظوم و بیش‌تر روایت‌گونه است که از شعرها و آهنگ‌های اندلیسی و ایرلندی و اسپین سالیان سده‌های میانه تا سده‌ی نوزدهم در سراسر اروپا (پس در آمریکا و استرالیا و شمال آفریقا) مورد استفاده قرار می‌گرفت. از سده‌ی هجدهم، آهنگ‌سازان این قالب شعری را برای ساختن قطعه‌های موسیقی - کار می‌بردند. آنان، از سالیان پایانی سده‌ی نوزدهم، کاربرد شعرهای کهن را ترک گفتند و اغلب از شعرها و آهنگ‌هایی مردم‌پسند سود بردند. ساخته‌ها و سروده‌هایی که اکنون به موسیقی مردمی^۴ تعبیر می‌شوند.

شعری را تصنیف می‌نامند که دارای شکلی آزاد، میانیه باشد و با بن‌مایه‌های دینی، آیینی^۵، رزمی، بزمی، عاشقانه، نمایشی، گاه ملی همساز افتد.

شوبرت^۶ (۱۷۹۷-۱۸۲۸)، شومان^۷ (۱۸۱۰-۱۸۵۶) و برامس^۸ (۱۸۳۳-۱۸۹۷) آهنگ‌سازانی بودند که به این قالب اصالت و اعتبار بخشیدند و روی شعرهایی آهنگ ساختند که وزن و قافیه داشت.

سیمین بهبهانی درباره‌ی تصنیف نوشته است:

«ترانه‌سرای مقوله‌ی بسیار ظریفی از شعر است که نیازمند ذوق فراوان، آشنایی با موسیقی، قدرت احاطه بر واژگان و درک احساس آهنگ است، و این‌ها [...] البته مختصری از مبانی‌ی آغازین کار است [...] در غرب، معمولاً، شاعر شعرش را می‌سراید، آن‌گاه آهنگ‌ساز بر روی آن آهنگ می‌گذارد و در این حالت شاعر و تصنیف‌ساز با هم فرقی ندارند [...] پولان^۹ (۱۸۸۴-۱۹۶۸) و اشمیت^{۱۰} (۱۸۷۰-۱۹۵۸) بر اشعار فو بور^{۱۱} (۱۹۸۱-۱۹۰۶) آهنگ می‌گذاشتند و آریو^{۱۲} (۱۹۹۰-۱۹۰۳) آن‌ها را با خوانند [...] و یافره^{۱۳} (۱۹۹۳-۱۹۱۶) اشعار آراگون^{۱۴} (۱۹۸۲-۱۸۹۷) را به طور قطع، تصنیف‌سازانی همچون آناوور^{۱۵} (زاده‌ی ۱۹۲۴) و آماراد^{۱۶} (۱۹۹۲-۱۹۱۵) کم‌اهمیت‌تر از دیگر شاعران نبوده‌اند [...] در حالی که در مثنوی از کشورها - از جمله ایران - شاعر باید بر روی آهنگ و مطابق با میراها^{۱۷}ی آن شعر بسراید و، از این روی، کار تصنیف‌ساز بسیار مشکل‌تر و دقیق‌تر می‌شود. من در برشی از زندگی‌ام شعرهایی بر روی آهنگ‌ها گذاشتم که باید بگویم کوشش‌م در سرودن آن‌ها بیش‌تر از دیگر انواع شعرم بود.» نکایت نگفته، «طنین موسیقایی‌ی نام تو»، سنایی، تهران، ۱۳۸۲.

در ایران، اما، تعبیر «تصنیف» از سده‌ی دهم هجری قمری، و شاید هم دو سده پیش‌تر از آن، رایج شد و به جای اصطلاح «قرن و غزل»^{۱۷} به کار آمد. این‌گونه سرایش، اگرچه به ظاهر با شعرهایی از نوع دیگر تفاوتی نداشت، باری، به لحاظ گزینش وزن و آمیزش واژگان، به صورتی بود که به لحن و مقام^{۱۸} موسیقی و نواخت^{۱۹} گوناگون‌سازی و آوازی درمی‌گنجید. نام‌آورانی چون علی‌اکبر شیدا (۱۲۸۵-۱۲۱۶) و عارف قزوینی (۱۳۱۲-۱۲۵۹) و... به این‌گونه هنر پرداختند.

«این فن [یا هنر] مشکل تر از انواع دیگر شعر است و افسوس که قدر آن به شایستگی شناخته نشده، تا جایی که شاعر توانمندی چون ایرج خطاب به دوستش عارف با لحن تحقیرآمیزی می گوید: تو شاعر نیستی تصنیف سازی ... و تصنیف سازی را در مقام فروتر از شاعری قلمداد می کند، در حالی که بسیاری از شاعران زبردست را دیده ام که در صد سرودن ترانه برآمدند و دست آخر اقرار کردند که این کار از عهده شان ساخته نیست» (همان).

ژرکوف یکی (۱۹۱۸-۱۸۸۵)، خاورشناس و ایران پژوه نامی روس، تصنیف را چنین تعریف می کند: تصنیف شعری ست استوار بر نثر ساده ی ضربی، و ابیات نثر را مشغولی های عامه ی مردم، که شاید هم، به اقتضای آهنگ، از قافیه دستوری شعر عروضی پیروی نکند - برخلاف شعر رسمی که بر پایه ی عروض ساخته می شود (نقل به مضمون). این دانشمند روس، که به فرهنگ مردم ایران دلبستگی بسیار داشت، در پی پژوهش هایش به ثبت تصنیف های ایرانی پرداخت. یکی از این تصنیف ها، که به شصت سال پیش از تولد علی اکبر شیدا بازمی گشت و در میان مردم کوچه و بازار (به ویژه مالی ی جنوب ایران و فارس و کرمان) رواج داشت، روایتی ست از عیادت به شاه زند، لطف علی خان (۱۱۷۳-۱۱۴۸)، که با همه ی دلیری را به پایم نبرد و حکومت پرهاخواه خود را به آغامحمدخان قاجار (۱۱۲۱-۱۱۷۹) باخت. اینک بخشی از آن تصنیف:

بازم صدای نی میاد
آواز پی در پی میاد [...]